

بسم الله الرحمن الرحيم

مشرح درس

انه لقران کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون.

ولقد علمتم الذین الذین اعتدوا منکم فی السببت فقلنا لهم کونوا قردة خاسئین.

اگر مستحضر باشید از آیه 63 تا 74 را در قالب یک بسته ما چند هفته است که بحث می کنیم. الان به آیه 65 رسیدیم. در جلسه قبل به بند اول آیه اشاره کردیم «ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السببت» انشالله بعد از بیان یک نکته به فقره دوم این آیه می پردازیم.

نکته ای که می خواهم عرض کنم حیل مطرح شده در فقه و حقوق است. مشکل فقیه این است که با حیل و تدابیر شرعی در صحن شریعت نه برخورد سلبی مطلق شده است و نه برخورد ایجابی مطلق؛ لذا فقیه دغدغمند در اینجا با مشکل مواجه می شود که چطور فتوا بدهد. شما دیده اید که برخی از فقها معروفند که حیل ربا را قبول ندارند. ولی برخی از مسائل را نمی توانند انکار کنند. مثلاً مرحوم امام خمینی حیل ربا را قبول ندارد ولی مواردی را می پذیرد. شما اگر الان طلا فروشی بروید و یک مقدار طلای شکسته داشته باشید و بخواهید به جای طلا شکسته طلا نو بخرید و... طلا فروش می گوید من به جای دو گرم طلای شما یک و نیم گرم طلای سالم می دهم. همه فقها حتی امام خمینی معتقد است اگر در ضمن دو معامله باشد اشکال ندارد. یعنی اول طلای شکسته را می خرد بعد طلای نو خودش را به شما می فروشد.

این بحث در جاهای دیگر فقه هم می آید مثلاً صاحب عروه دارد که آیا شخص می تواند در سر سال خمسی یا زکات به همسرش پولش را ببخشد تا مستحق پرداخت خمس و زکات نباشد؟

در بحث بانک ما قبول نداریم شخص با خود خودکار و قوطی کبریت ببرد و به کارمند بانک بدهد برای فرار از ربا و... یکی از آقایان در فرار از ربا گفته بود وقتی از بانک 100 میلیون وام می گیرید و می خواهید 140 میلیون پس بدهید دفترچه اقساط را 40 میلیون بخرید تا ربا پیش نیاید. به نظر ما این کارها درست نیست. و دفترچه مالیت خاصی ندارد.

در بحث توریه نیز بحث حیل جریان دارد. مثلاً به شخص می گویند پول داری می گوید نه منظورش این است در کف دستش پول ندارد نه در حساب بانکی و...

البته گاهی اوقات انسان مجبور به توریه است این را هم لحاظ کنید یعنی بین دروغ مصلحت آمیز با توریه انسان مردد می شود و با توریه باید صحنه را مدیریت کند.

به نظر ما توریه یک سخن هنرمندانه است که باید درست معنا شود. در توریه گوینده مطلبی را هنرمندانه می گوید یک قصدی دارد اما سامع چیز دیگری می فهمد. مثلاً وقتی پرسیده شد افضل اشخاص چه کسی است؟ در پاسخ گفت من بنته فی بینه؛ در اینجا کلام جوری است که هم می تواند پاسخ امیر المومنین علیه السلام باشد و هم خلیفه اول وقتی سوال کننده این جواب را شنید فکر کرد منظورش خلیفه اول است خوشحال شد و چیزی نگفت. در حالی که گوینده امیرالمومنین علیه السلام را اراده کرده بود. البته بنده توریه مبتذل را قبول ندارم مثل اینکه به شخص بگویند پول داری بگوید نه مرادش این باشد که لای عمامه ام پول ندارم. ولی در جیبم دارم. ما قائل به جواز چنین توریه ای نیستیم.

در مثال ربا اگر یادتان باشد من می گفتم بعضی وقت ها درست است انسان فرار از ربا می کند اما فرارش مدیریت شده است. من 50 میلیون تا ظهر می خواهم به هر که بگویم در فضای تورمی نمی دهد یک راه کاملاً عقلایی این است که من ماشینم را نقد به یک بنگاهی بفروشم او هم پولش را به من می دهد یک ساعت بعد همان ماشین را از او به صورت نسیه می خرم به این

معامله بیع العینه گویند که اشکال ندارد. البته نباید فروش ماشین صوری باشد و قصد جدی باید در میان باشد. درست است این فرار از ربا است اما فقها این صورت را قبول دارند.

کسی که صوری به دیگری چیزی میبخشد و پس میگیرد کارش درست نیست مثلاً مردی قبل از سال خمسی خانه اضافی اش را به همسرش میبخشد و میگوید خانم این خانه برای تو خیلی زحمت کشیدی و... ولی میداند که فردا صبح میخواهد پس بگیرد این را ما قبول نداریم.

می دانید در شریعت مطهر مبادله مثلین ممنوع است اگر بهترین گندم را با گندم متوسط مبادله کنید باید از جهت وزن برابر باشند (این هم یک حکم تعبدی است). در اینجا راه فرار از ربا اینگونه است؛ شما 10 کیلو برنج متوسط را میفروشید و 8 کیلو برنج خوب میخرید. چون دو معامله است اشکالی ندارد.

وقتی کسی در زده و میگوید بابا هست؛ وقتی بچه میگوید نیست و مرادش این باشد در پشت در نیست و... چنین توریه ای مقبول نیست چرا که هدف شارع از بین می رود.

اگر بتوانید در مورد مناسبات کذب و توریه پایان نامه ای بنویسید کار خوبی از آب در می آید.

علت طرح این بحث، به خاطر حيله بنی اسرائیل بود که در فقره اول آیه 65 مطرح شد. بنی اسرائیل در تاریخ واقعاً حيله گر بودند. تا آنجا که من اطلاع دارم در تورات ربا حرام بوده اما اینها ربا می خوردند.

فقره دوم آیه: فقلنا لهم کونوا قردة خاسئين

بعد از اینکه اینها حيله کردند ما به اینها گفتیم (مراد زبان تکوین است) بوزینه های مطرود شوید.

من دیشب فکر می کردم که یک انسان می تواند از کجا به کجا برسد. در یک شب اسم انسان از دیوان بنی امیه به دیوان شهدای کربلا می رود و بالعکس امتی مصداق فضلکم علی العالمین (47 بقره) باشد اما بعد خطاب شود کونوا قردة خاسئين. در صوره مائده می فرماید: و جعل منهم القردة و الخنازیر ... بوزینه و خوک باشید.

تغییر یکباره و آگاهانه رخ نمی دهد بلکه تدریجاً و ناآگاهانه رخ می دهد.

طبیعتاً من نمی خواهم بحث های که مطرح شده را مطرح کنم بلکه به نکاتی می پردازیم که کمتر گفته شده است.

سوال اولی که به ذهن می آید این است که آیا اینها واقعاً بوزینه شده اند؛ البته توجه کنید بوزینه های که الان هستند از نسل آنها نیستند. بوزینه شدن انسان ها یک حادثه غیر طبیعی است اما محال نیست. ممکن است باذن الله یک انسانی مار یا بوزینه شود چنانکه در قیامت نیز به اشکال متفاوت محشور می شوند. برخی ها کوشیده اند مقداری معقول تر این آیه را جلوه دهند مثلاً صاحب المنار «محمد عبده» معتقد است مسخ فیزیکی رخ نداده است. ایشان از علمای روشن فکر مصر است. ایشان می گوید: صورت های اینها مسخ نشد بلکه دل های اینها مسخ شده است مثل آیه دیگر که می گوید: مثل الذین حمل التوراة ثم لم يحملوها کمثل الحمار ...

استاد: شما عالم هستی چرا این حرف را می زنید آن آیه داد می زند که باطن کار آنها مثل حمار است اما در اینجا می گوید: کونوا قردة ... خیلی بین این دو تعبیر فرق است.

با توجه به ظاهر قرآن و روایات مراد مسخ ظاهری است. البته ما نمی گوئیم اگر کسی قائل به مسخ باطنی شد کافر است و... بنی اسرائیل چه فیزیکی و چه ملکوتی به این شکل دربیایند بدون شک باطن اینها باطن بوزینه بوده است.

باطن انسانها در آخرت ساخته نمی شود باطن انسانها در دنیا ساخته می شود. روز قیامت روز تبلی السرائر است نه تخلق السرائر؛ سرائر خلق نمی شود بلکه پرده ها کنار می رود. اگر کسی چشم برزخی داشته باشد و خداوند اجازه دهد افراد را در همین دنیا خوک و مار و عقرب می بیند.

بیان فلسفی: انسان یک کاری را انجام می دهد اگر تکرار شود می شود عادت اگر خیلی تکرار شود می شود ملکه، ملکه که شد در ذات داخل می شود بعد از ملکه، هو هو شکل می گیرد. یعنی دیگر به انسان فاسد نمی گویند فساد می گویند. خداوند نسبت به فرزند نوح می گوید آنه عمل غیر صالح. یعنی تبدیل به عمل فاسد شده است. لذا اگر کسی فرزند نوح را می خواست با چشم برزخی ببیند به شکل حیوانی می دید.

الحمد لله رب العالمین